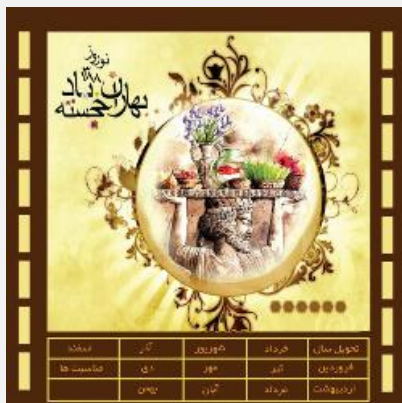


**شنبه 5 دی 9 محرم 26 دسامبر**

ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا سال 61 هجری قمری ...



ورود شمر بن ذی الجوشن به کربلا سال 61 هجری قمری

در برابر کاروان کم تعداد امام حسین(ع) و یارانش، که اهل و عیالشان نیز همراه آنان بودند، عبدالله بن زیاد نیروهای رزمی فراوانی به کربلا اعزام کرد.

وی، علاوه بر لشکر یک هزار نفری حرّ بن یزید ریاحی، چهار هزار تن به همراه عمر بن سعد، دو هزار نفر به همراه یزید بن زکاب کلبی، چهار هزار نفر به همراه خُصین بن ثمیر سکونی، هزار نفر به همراه شُبث بن ربعی، هزار نفر به همراه حِجَار بن ابجر بجلي، سه هزار نفر به همراه مِصار بن مزینه مازنی، دو هزار نفر به فرماندهی شخص دیگر به کربلا اعزام کرد، تا با پیوستن به سپاه عمر بن سعد، جبهه سپاهیان یزید را در برابر سپاهیان امام حسین(ع) تقویت و تحکیم نماید.

اما شوروترین نیروهای عبدالله بن زیاد، لشکر شمر بن ذی الجوشن بود، که به استعداد چهار هزار تن به قصد نبرد حتمی با اهل بیت پیامبر(ص) وارد سرزمین کربلا شد. ورود شمر به کربلا، مصادف بود با روز نهم ماه محرم.

هنگامی که نامه رضایت بخش عمر بن سعد به دست عبدالله بن زیاد رسیده بود، شمر بن ذی الجوشن در مجلس وی حضور داشت و چون نظر عبدالله درباره پیشنهاد عمر بن سعد، مبني بر مصالحه با امام حسین(ع) را مشاهده کرد، بر آشفت و به عبدالله گفت: ای امیر! آیا پیشنهاد او را پذیرفته ای؟ هم اینک حسین بن علی(ع) با پای خود در سرزمین تو گام نهاد و در نزدیکی تو مقیم گشت. به خدا سوگند، اگر امروز از تو رهایی پیدا کند، دیگر نمی توانی بر او دست یابی.

در آن صورت، او عزیزتر و نیرومندتر گردد و تو ناتوان تر و خوارتر خواهی شد. پس او را رها مکن و در اختیار بگیر، در این صورت هر تصمیمی که درباره اش بگیری می توانی جامه عمل به پوشانی.

گفتار خصمانه و تحریک آمیز شمر، اثر سویی در عبدالله بن زیاد به وجود آورد و نظرش را درباره امام حسین(ع) دوباره تغییر داد. بدین جهت، در همان ساعت، نامه شدید اللحنی برای عمر بن سعد نوشت و به این مضمون، به وی فرمان داد: یا از حسین بن علی(ع) برای یزید بیعت بگیر و یا بر او بتاز و سرش را از بدن جدا کن و تمام یاران وی را از دم تیغ و تیر بگذران و بر بدن هایشان اسب بدوان. گرچه اسب تاختن بر بدن های آنان، فایده ای ندارد ولیکن چون از زبانم جاری شده است، باید به عمل آوری. سپس یادآور شد: ای عمر بن سعد! اگر آن چه را به تو فرمان داده ام انجام دهی، در نزد ما عزیز و سربلند خواهی بود و به آرزو و آمالت می رسی، ولی اگر تمایلی برای نبرد با حسین بن علی(ع) نداری، از فرماندهی سپاه معزول و کارهای سپاه را به شمر بن ذی الجوشن بسپار.

عبدالله، این نامه را به شمر سپرد و او را روانه کربلا نمود و وی را بر کردار و رفتار عمر بن سعد، مراقب ساخت.

امتناع حضرت عباس(ع) و برادرانش از پذیرش امان نامه دشمن در سال 61 هجری قمری حضرت فاطمه، مکتی به "أمّ البنین" همسر امیرمؤمنان(ع)، دارای چهار فرزند دلاور و رشید بود، که همگی در رکاب برادر و امامشان حضرت ابی عبدالله الحسین(ع) در کربلا حضور داشتند. حضرت عباس(ع)، که بزرگترین آنان بود، از شهرت به سزایی برخوردار و به خاطر جمال زیبا، قامت رشید، بهره مندی از دلاوری، غیرت و تعهد و تقوا، به "قمر بنی هاشم" معروف و حضور وی در سپاه امام حسین(ع)، برای دشمنان اهل بیت(ع) بسیار سنگین و زجرآور بود.

بدین جهت، دشمن در صدد برآمد، تا وی و برادرانش را از جبهه توحیدی امام حسین(ع) گسسته و به جبهه باطل اموی ملحق کنند. به همین منظور، شمر بن ذی الجوشن کلابی که از قبیله ام البنین(س) بود، مأموریت یافت که به حضرت عباس(ع) و سه تن از برادرانش امان نامه دهد.

وی، در عصر روز تاسوعا (نهم محرم) به نزدیکی خیمه گاه امام حسین(ع) رفت و با صدای بلند فریاد زد: خواهر زادگانم کجایند؟ امام حسین(ع) که منظور شمر را دانسته بود، به برادران خود فرمود: پاسخ شمر را بدهید، اگر چه او فاسق است ولیکن با شما قرابت و رابطه خویشاوندی دارد.

حضرت عباس(ع) به همراه سه تن از برادرانش [عبدالله، جعفر و عثمان] در نزد شمر حضور یافته و از او پرسیدند: حاجت تو چیست؟ شمر گفت: شما خواهر زادگان منید. بدانید تا ساعاتی دیگر شعله های جنگ برافروخته می گردد و از یاران حسین بن علی(ع) کسی زنده نمی ماند. من برای شما امان نامه ای از عمر بن سعد آوردم. شما از این ساعت در امان ما هستید، مشروط بر این که از یاری برادران حسین(ع) دست برداشته و سپاهش را ترک کنید.

حضرت عباس(ع) که کانون غیرت، حمیت و وفاداری بود، بر او بانگ زد و فرمود: بریده باد دستان تو و لعنت خدا بر تو و امان نامه تو.

ای دشمن خدا! ما را فرمان می دهی که از یاری برادر و مولایمان حسین(ع) دست برداریم و سر در طاعت ملعونان و ناپاکان در آوریم. آیا ما را امان می دهی ولی برای فرزند رسول خدا(ص) امانی نیست؟  
شمر از پاسخ دندان شکن فرزندان ام البنین(س)، ناامید و خشمناک شد و با سرافکنندگی به خیمه گاه خویش برگشت.  
برخی از روایات، به جای شمر بن ذی الجوشن، شخصی به نام "عبدالله بن ابی محل بن حزام" برادرزاده ام البنین(س) را نام برده اند، که برای حضرت عباس(ع) و برادرانش امان نامه برد، ولی با پاسخ منفی آنان روبرو گردید.  
به هر روی، سپاه عمر بن سعد از این ترفند نیز طرفی نبست و نتوانست خللی در سپاه یکپارچه و مستحکم امام حسین(ع) به وجود آورد.

فرمان حمله عمومی به خیام امام حسین(ع) از سوی عمر بن سعد در سال 61 هجری قمری هنگامی که عمر بن سعد، فرمانده کل سپاه عبیدالله بن زیاد، با دریافت نامه شدید الحن عبیدالله احساس خطر کرد و با آمدن شمر بن ذی الجوشن به کربلا، وی را رقیبی برای فرماندهی خویش می دید، با دست پاچگی تمام و بدون اطلاع قبلی، در عصر روز تاسوعا (نهم محرم) فرمان حمله عمومی به سوی خیمه گاه امام حسین(ع) را صادر کرد.  
وی با گفتن: "یا خیل الله ارکبی و بالجنة ابشری"، سپاهیان خود را وادار به هجوم سراسری کرد و تلاش نمود تا کردار و رفتار خود را بایسته جلوه دهد و روحیات منززل سپاهیان خویش را تقویت کند، تا مبادا در نبرد با فرزندزاده رسول خدا(ص) دچار حیرت و سستی گردند.

امام حسین(ع) که در آن هنگام، در پیش گاه خیمه اش به شمشیر تکیه داده و به استراحت مختصر پرداخته بود، با صدای خواهرش زینب کبری(س) بیدار گردید و خیل عظیم سپاهیان دشمن را در روبروی خود مشاهده نمود، که در حال پیش روی به سوی خیمه گاه وی بودند.

آن حضرت، بی درنگ برادرش حضرت عباس(ع) را به همراه بیست تن از یاران فداکارش چون زهیر بن قین و حبیب بن مظاهر به سوی سپاه دشمن فرستاد، تا از فرمانده آنان، علت تهاجم عمومی را جویا شوند.  
حضرت عباس(ع) و هیأت همراه، به سران سپاه عمر بن سعد نزدیک شده و پیام امام حسین(ع) را ابلاغ کردند و آنان در پاسخ امام حسین(ع) گفتند: از امیر عبیدالله بن زیاد فرمان آمده است که حسین بن علی(ع) یا در طاعت او در آید و با او بیعت کند و یا هم اینک آماده نبرد سرنوشت ساز باشد.

حضرت عباس(ع) پیامشان را به امام حسین(ع) رسانید و از آن حضرت، کسب تکلیف نمود. امام حسین(ع) به وی فرمود: از آنان بخواه که امشب را صبر کرده و کار نبرد را به فردا واگذارند. زیرا دوست دارم شب آخر عمرم مقدار بیشتری به عبادت و نماز بپردازم و خدا می داند که من به راز و نیاز با وی و نیایش در درگاهش چه قدر علاقمندم.

حضرت عباس(ع) بار دیگر به سوی سپاه دشمن رفت و درخواست امام حسین(ع) را به آنان ابلاغ کرد. عمر بن سعد که مظنون به مسامحه کاری بود و شمر را رقیب خود می دید، از درخواست امام حسین(ع) سر باز زد و گفت: برای حسین، دیگر مهلتی نیست!  
برخی از فرماندهان سپاه، زبان به اعتراض گشوده و گفتند: ای فرمانده! اگر کافران و مشرکان از ما مهلت می خواستند، ما دریغ نمی کردیم ولی از مهلت دادن به فرزندزاده رسول خدا(ص) امتناع می کنیم؟

عمر بن سعد در برابر اعتراض های متعدد یاران خویش مواجه گردید و به ناچار درخواست امام حسین(ع) را پذیرفت و به وی پیام داد که یک شب را به شما مهلت دادم، ولی بامدادان فردا اگر بر فرمان امیر، سر اطاعت فرود نیاورید، فیصله کار را به شمشیر می سپارم.

در این هنگام، آرامش نسبی حاکم گردید و هر دو سپاه به خیمه گاه خویش برگشته و منتظر فرا رسیدن روز بعد، یعنی روز عاشورا شدند.

درگذشت محمد رفیع گیلانی معروف به آقا محمدبیدآبادی اصفهانی در سال 1198 هجری قمری  
محمد رفیع گیلانی معروف به آقا محمد بید آبادی اصفهانی از بزرگان علمای ایران در سال 1198 هجری قمری درگذشت. وی در تدریس حکمت، کلام و تفسیر آیات قرآن مجید دانش و مهارت فراوان داشت. در جلسات تدریس بید آبادی اصفهانی در شهر اصفهان بزرگانی چون مدرس اصفهانی و حاجی کرباسی شرکت می کردند و از علم ایشان بهره می بردند.

درگذشت سید محمد قلی هندی در سال 1260 هجری قمری  
سید محمد قلی هندی از علمای نام آور شیعه هندوستان در سال 1260 هجری قمری درگذشت. او از اعقاب میر سید شرف الدین نیشابوری بود که در واقعه حمله هلاکوخان مغول از نیشابور به هندوستان مهاجرت کرد. سید محمد قلی هندی کتابهای متعددی تألیف کرد که از جمله مشهورترین آنها الاخبار الاثنی عشریه را می توان نام برد.

درگذشت علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه فرزند فتحعلیشاه قاجار در سال 1298 هجری قمری  
علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه فرزند فتحعلیشاه قاجار، و از فضایی عهد قاجاریه در سال 1298 هجری قمری درگذشت. او مدتی ریاست دارالفنون را به عهده داشت و یکسال بعد در سال 1275 هجری قمری نخستین خط تلگراف را میان تهران و سلطانیه راه اندازی کرد. اعتضاد السلطنه مدتی وزارت علوم، و سرپرستی تلگرافنامه و چاپخانه ها را نیز عهده دار بود. فتنه باب در تهران و فلك السعاده از

درگذشت آیت الله حاج میرزا سید علی یزدی در سال 1364 هجری قمری  
آیت الله حاج میرزا سید علی یزدی از عالمان و مجتهدان قرن اخیر در سال 1364 هجری قمری بدرود حیات گفت. مرحوم، یزدی  
مجتهدی اصولی، مردی متقی و متواضع بود و استادانش به ویژه آیت الله العظمی آخوند خراسانی به وی علاقه بسیار داشتند. آیت  
الله یزدی در تدریس فقه و اصول، دانش پژوهان بسیاری را در حوزه درسی خود پذیرا می‌شد.

درگذشت ابراهیم منصوری از نوازندگان معروف ویلن در سال 1348 هجری شمسی  
ابراهیم منصوری از نوازندگان معروف ویلن در سال 1348 هجری شمسی درگذشت. منصوری از کودکی به موسیقی علاقه داشت از این  
رو در اوایل جوانی به مدرسه نظام رفت و به شاخه موسیقی مدرسه نظام وارد شد. ابراهیم منصوری از همان زمان با جدیت فراوان  
فراگیری موسیقی را دنبال کرد و نواختن سازهای بادی و ویلن را آموخت اما احساس او تسکین نیافت و نزد استاد حسین خان  
اسماعیل زاده سازی ایرانی یعنی کمانچه را فراگرفت. منصوری در همین زمان آموختن ردیف‌های موسیقی ایرانی را نیز آغاز کرد. بدین  
ترتیب بعد از چند سال ابراهیم منصوری از استادان موسیقی ایرانی شد و ابتدا به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و پس از تأسیس رادیو  
با این مرکز همکاری کرد. از زیباترین ساخته‌های ابراهیم منصوری پیام عاشق است.

شهادت کامران نجات الهی از استادان دانشگاه پلی تکنیک در سال 1357 هجری شمسی  
کامران نجات الهی از استادان دانشگاه پلی تکنیک سابق در سال 1357 هجری شمسی بدست عوامل رژیم طاغوت به شهادت رسید.  
استاد نجات الهی همراه دیگر استادان برای نشان دادن مخالفتش با اعمال رژیم پهلوی در وزارت علوم تحصیل کرده بود. استادان  
محقق برای مبارزه با رژیم طاغوت و همگامی با مردم مسلمان و مبارز ایران؛ و همچنین اعلام حمایت از دانشجویان مبارز ابتدا  
در دانشگاه تهران و سپس در وزارت علوم تحصیل کردند. عوامل رژیم پهلوی برای درهم شکستن اعتصاب استادان به آنان یورش بردند  
و در این درگیری استاد کامران نجات الهی به شهادت رسید.

سالروز زلزله تاسف بار بم  
ساعت 5:26 روز پنجم دیماه 1382 مصادف با 26 دسامبر 2003 در شهر تاریخی بم در جنوب شرقی کشور زلزله ای پر قدرت رخداد.  
این زلزله در ساعات آغازین بامداد زمانیکه اکثر ساکنان بم در خواب بودند اتفاق افتاد، که این مساله را می توان به عنوان یکی از  
عوامل تشدید تلفات جانی در نظر گرفت.  
بیش از 85 درصد شهر بم در این زلزله تخریب شد. اکنون در بم خانواده ای نیست که داغدار عزیز از دست رفته اش نباشد. چه بسیار  
مادرانی که داغدار کودک دلبنده خود هستند و چه بسیار کودکانی که در این دنیای نا امن بی پشت و پناه ماندند. نخلستان های بم  
دیگر شاهد خنده ها و بازی های کودکان بسیاری از کودکان دیروز خود نیست. امروز با وجود گذشت یکسال از آن حادثه همچنان  
ملت ایران؛ خصوصا هموطنان عزیز شهر بم دردمند هستند. این زلزله علاوه بر جان عده زیادی از ساکنان بم، نماد تاریخی و بخشی از  
هویت این شهر قدیمی را هم هدف گرفت. بیش از 70 درصد ارگ دو هزارساله بم تخریب شد. سابقه تاریخی ارگ بم به موجب  
نوشته های تاریخی، از جمله حدودالعالم و تاریخ وزیری به دو هزار سال پیش می رسد. ارگ بم تا حدود 180 سال پیش هنوز محل  
سکونت عده ای از اهالی بم بود. و اکنون به تلی از خاک تبدیل شده. زلزله بم سخت ترین فاجعه طبیعی سال ۲۰۰۳ شناخته شد. اگرچه  
ابعاد این زلزله گسترده بود ولی بار دیگر شاهد از خود گذشتگی هم میهنانمان بودیم. با اینحال یادمان نرود که بم امروز نیز نیاز به  
کمک دارد شاید بیشتر از دیروز.

امضاء قرارداد تاریخی پرسبورگ بعد از جنگ اوسترلتیز در سال 1805 میلادی  
قرارداد تاریخی پرسبورگ در سال 1805 میلادی بعد از جنگ اوسترلتیز میان فرانسه و اتریش امضا شد. قبل از امضای قرارداد پرسبورگ  
امپراتور اتریش با ناپلئون بناپارت ملاقات و گفتگو کرده بود و فرانسوای دوم حاکم اتریش تقاضای ترک جنگ را کرده بود. بدین ترتیب  
با امضای قرارداد پرسبورگ بسیاری از متصرفات اروپایی اتریش زیر سلطه فرانسه قرار گرفت.